

تعارض اصول گرایی با جناح گرایی
مور یانه‌ای برای پوساندن درخت انقلاب

مسعود شفیعی کیا



دور شدن از اهداف و اصول نهضت؛ از آفاتی است که همواره هویت انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند. از این رو نهضت جهانی اسلام، برای دفع این تهدید و تکامل رسالت نبوی، به امامت و ولایت گره خورده است؛ چرا که رهبری و هدایت امت اگر به اهلش سپرده نشود، غلبه امیال و شهوات و جهالت‌ها، انحراف از صراط مستقیم را رقم خواهد زد و در این دریای ظلمت‌زده که هواهای پست و بی‌خردی‌ها آن را احاطه کرده است، تنها باید دیده‌بان و سکانداری آگاه و امین، هدایت این کشتی را به عهده گیرد تا مسیر گم نشود و دنیای مردمان تضمین شود.

از آنجا که هویت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است، تشخیص و اجرای اصول آن در عصر غیبت، بر عهده ولی فقیه آگاه و مسلطی است که بی‌پروا و پرهیزکارانه این اصول و خطر خروج از آن را گوشزد می‌کند. بنابراین با به کارگیری رهنمودهای حضرت امام راحل و رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیگر بیم انحراف از اصول در مخیله‌مان نیز نباید راه یابد و این رمز اصول‌گرایی است.

حزب‌گرایی افسارگسیخته که در آن تنها پیروزی بر رقیب به هر قیمتی در نظر است و هدف نیز کسب قدرت و به دست آوردن اقبال عمومی و با هر روش و خدع‌ای باشد، با اصول و هویت نظام مبتنی بر ولایت سازگار نیست.

کسی که دعوت به خود کند، حزب شیطان است

حضرت امام خمینی، سال ۱۳۶۱ طی ملاقاتی با هیأت رئیسه حزب جمهوری اسلامی که متشکل از اصول‌گرایان نظام بوده است، نسبت به خطرات تحزب و جناح‌گرایی که اصول‌گرایی را تهدید می‌کند، بیانات صریح و تأمل‌برانگیزی داشته‌اند. ایشان می‌فرمایند:

از اول عالم تا حال، دو حزب بوده است: یکی حزب الهی و یکی حزب غیر الهی و آثار هر یک هم جدا بوده است؛ و آنی که مال الله بوده، چون مقصد، خدای تبارک و تعالی است، به سوی او و در راه مستقیم است و آن که بر خلاف این راه بوده، که اکثریت هم با اینهاست، حزب‌های شیطانی هستند، از صدر عالم تا حالا، زمان رسول الله هم بوده است ...

حزب‌های الهی آثارش این است که روح خداست؛ یعنی، کوشش آن این است که دعوت به خود نکند و دعوت به خدا بکند؛ دعوت به طبیعت نکند و دعوت به الوهیت و ملکوت بکند ... انسان خودش می‌تواند بفهمد که کجایم؛ آیا طرف حزب خدایی و خدا می‌رود و جزء حزب الله است یا طرف حزب‌های دیگر؟! انسان می‌تواند

تشخیص دهد که چه کاره است. البته گاهی حجاب‌ها مانع می‌شود که انسان بفهمد که چه کاره است. آنها که در این راه‌اند تا راه را پیدا کنند، می‌توانند حجاب‌ها را پاره کنند و ببینند راه حزب الله، از باب اینکه «حزب الله هم الغالبون» و احزاب‌های دیگر هم که فرضاً مدتی بمانند و دست و پا بزنند، مغلوبند. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۹۱)

حضرت امام این واقعیت را بیان کردند که اگر هر گروه و حزبی که در نظام اسلامی شکل بگیرد، ولی مقصد و هدف خود را با مصالح شخصی و گروهی گره بزند و به جلب رضایت خداوند اهمیت ندهد، نه تنها خودی نیست؛ بلکه از حزب شیطان می‌شود. با وجود اینکه مخاطب این سخنان اعضای انقلابی‌ترین حزب کشور بوده‌اند که نخبگان ناب فراوانی از آن وارد گستره نظام شده‌اند، دیگر احزاب که عموماً بر پایه مقاصد صنفی و گروهی و منفعت‌طلبی‌ها شکل گرفته‌اند، باید حساب کار خودشان را بکنند.



نفاق آفت احزاب

حضرت امام در همین بخش از سخنانشان، بی‌صدافتی احزاب و نخبگان سیاسی رازش‌ترین بیراهه برمی‌شمارند و تصریح می‌کنند که:

«بدترین انحراف این است که انسان در ظاهر یک جوری نمایش دهد که واقعهش بر خلاف اوست. این نفاق است و نفاق از بدترین خبیهایی است که در قرآن مجید آمده برای خود منافقین، به خصوص یک سوره آمده است.» (همان، ص ۱۹۲)

متأسفانه به واسطه خودباختگی نسبت به مکتب منقطع‌اللبیرال دموکراسی، آموزه‌های شیطانی آن احزاب به رویه رایج غالب گروه‌های سیاسی کشور تبدیل شده است و این معضل به خصوص در استانه انتخابات، به شکل بد اخلاقی‌های انتخاباتی نمایان می‌شود و نشر اکاذیب و اهانت‌ها به رقیب تا می‌گردد که بعضاً بی‌اساس و رنگ به رنگ شدن نخبگان سیاسی و نمایش خود بر خلاف آنچه که هستند، سکه رایج غالب سیاسی کاران ما شده است و متأسفانه گویا عرض اندام‌های فریبکارانه نامزدهای مغرب‌زمین، به نمونه و الگوی نخبگان سیاسی ما مبدل می‌گردد و این یعنی هتک اصول و انحراف از مبانی جمهوری اسلامی و به فرموده امام راحل‌مان - در همان سخنان - ریشه همه این بلاها، خود ادمی است:

«مبدأ همه خطر‌ها برای انسان، خود آدم است و مبدأ اصلاح هم از خود آدم باید شروع شود ... هر کس که می‌خواهد صحبت کند، باید توجه کند که چه می‌خواهد بگوید؛ آیا در این چیز رضای خدا هست؟ آیا دعوت به خودش هست یا دعوت به خدا؟ بعد هم که



صحبت کرد؛ بنشیند که آیا این صحبت برای این بود یا برای آن. این راهی است برای سیر انسان به خدا که مراقبت کند از خودش و بعد از مراقبت، محاسبه نماید. این طور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد؛ میزان، ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد، این حزب شیطان است؛ هر اسمی هم داشته باشد. بنابراین، ما باید کوشش کنیم که حزبمان را حزب الله کنیم.» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸)

اقدام برای حذف و تخریب رقیب، خیانت است

حضرت امام خمینی در واکنش به اولین انشعاب از بدنه «جامعه روحانیت مبارز» که با شکل گیری مجمع روحانیون مبارز به هواداری دولت میر حسین موسوی رقم خورد، فرمودند:

«انشعاب از تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و ایجاد تشکیلات جدید، به معنای اختلاف نیست؛ اختلاف در موقعی است که خدای نکرده هر کس برای پیشبرد نظرات خود به دیگری پرخاش کند.» (همان، ص ۱۷۶)

ایشان همچنین در پاسخ نگرانی شخصی از این اختلافات، فرمودند: «... هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی کند. دو جریان با کمال دوستی، مراقب آمریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند ... خداوند! تو شاهد باش من آنچه بنا بود، به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند.»

البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم که آن حب نفس است ... و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم... اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده، بی جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت خط و جناح خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است.» (سخنرانی ۷۵/۰۱/۲۹، ماهنامه صبح ۷۵/۰۲/۰۴، ص ۳، شماره ۵۰)

جناح بندی بیمار، در قاموس سیاسی کشور

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تحلیل اولین انشعاب و جناح بندی نظام که به غلط از آن به چپ و راست تعبیر می شود، فرمودند:

«این اسم های چپ و راست و قدیم و جدید و امثال اینها، افسانه است و واقعیت ندارد؛ به دلیل آنکه هیچ کدام از این گروه هایی هم که آنها ذکر می کنند، هیچ تفکر مدوئی را ارائه نکرده اند.»

البته با انتخاب دولت نهم، یک مرز بندی اساسی و ریشه ای در نظام اسلامی شکل گرفت که به تحکیم پایه های اصول گرایی منجر گشت و جبهه گیری های نمایشی موج سواران حرفه ای عرصه سیاست را واداشت که شفاف تر در این عرصه حضور داشته باشند؛

چرا که یکی از آفات گروه‌های سیاسی کشور که به دنبال آن انشعاب اولیه، به رشد ناهمگون خود ادامه دادند؛ نبود تفکری منسجم و عدم ارائه مرام مدون و صادفانه است. حامیان اقتصاد دولتی بسته که انشعاب اولیه را شکل دادند، در مقطعی تا جایی پیش رفتند که از هر لیبرالی لیبرال‌تر شدند. رهبر معظم انقلاب، ریشه این معضل را در برخی از نخبگان سیاسی کشور، چنین برمی‌شمارند:

«عده‌ای در اول انقلاب خیلی تند و داغ و پرشور بودند، اما متأسفانه فکر دینی آنها عمق نداشت؛ با اولین باد سردی که از طرف تبلیغات دشمنان آمد، برگ و بار انقلابی‌شان ریخت و جوشش انقلابی‌شان تمام شد! بعضی‌ها صد و هشتاد درجه این طرف غلتیدند. من یک وقت به یکی از این آقایان گفتم که شما اوایل انقلاب در زمینه مسائل اقتصادی چپ‌چپ بودید و ما از تندروی‌های چپ‌گرایی، شما را منع می‌کردیم؛ اما الان شما رفته‌اید مت‌هالیه جهت مقابل و شده‌اید راست‌راست! ما همان جایی که قبلاً بوده‌ایم ایستاده‌ایم و باز شما را از تندروی‌های راست‌گرایانه منع می‌کنیم؛ این به خاطر نداشتن عمق است؛ به این دلیل است که ریشه اعتقادی و فکری وجود ندارد.» (در جمع دانشجویان بسیجی ۸۴/۰۳/۰۵ (کیهان ۸۴/۰۳/۲۲))

چون هنوز هم برخی مردم‌سالاری اسلامی ایران را با دموکراسی سکولار غرب می‌سنجند، متأسفانه بداخلاقی‌های جهان لیبرال دموکراسی، به غالب نخبگان ما نیز سرایت کرده است و به جای اینکه صحنه سیاسی و انتخابات را عرصه رقابت در خدمت و تعالی روح معنوی خویش بدانند، آن را به میدان تاخت و تازی مبدل کرده‌اند که هدف در آن، تنها رسیدن به قدرت به هر قیمتی است و در این مسیر از هرگونه ریا، نفاق، دروغ، تهمت و افترا دریغ ندارند و فضای سیاسی کشور را به خصوص در آستانه انتخابات، به قدری مشوش می‌کنند که رفته رفته فرهنگ عمومی در کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده و بدبینی و بداخلاقی را در دیگر زوایای زندگی مردم القاء می‌کنند که در برخی از صحنه‌های انتخاباتی چون دوم خرداد ۷۶، تأثیر فرهنگی آن را بیش از اثرات سیاسی آن، در جامعه ایران اسلامی دیدیم.

شاخصه‌های مرام اصول‌گرایی

حال که با رویکرد مهرورزانه دولت نهم و احیای اصول انقلاب اسلامی، موقعیتی برای بازسازی فرهنگ سیاسی نظام اسلامی فراهم شده است، باید از این مرزبندی که از آن تعبیر به «اصول‌گرایی» و «غیر اصول‌گرایی» می‌شود، مراقبت کرد؛ چرا که سیاست‌بازان بار دگر برآنند که از این اب برای خود ماهی بگیرند و این در صورتی امکان‌پذیر است که همان دعوای ساختگی ولی پرهزینه چپ و راست را، این بار به نام «اصول‌گرا» و «اصلاح طلب» به مردم دیکته کنند و بداخلاقی‌ها و رنگارنگی‌های گذشته در عرصه سیاست را تکرار نمایند، بنابر همین مهم، رهبر معظم انقلاب با تأکید بر عدم جناح بودن اصول‌گرایی، فرمودند: «هر کس و جریانی که به مبانی

انقلاب علاقه‌مند و پایبند است و هر نام که داشته باشد، جزو اصول‌گرایان است.» (در دیدار با مسئولان نظام، خرداد ۸۵، نشریه فیضیه، ۸۵/۴/۳۰، ص ۲)

معظم له برای اینکه اصول‌گرایی به یک ژست سیاسی تبدیل نشود و به دکانی برای کاسبی شکست‌خوردگان و ورشکستان سیاسی تبدیل نگردد، هشت شاخص اصول‌گرایی را طرح کردند تا هویت و شناسنامه اصول‌گرایان مشخص شود. این شاخصه‌ها در فرمایش ایشان عبارتند از:

۱. ایمان و هویت اسلامی و انقلابی. (خارج کردن سکولارها و منافقین از چرخه اصول‌گرایان).

۲. عدالت‌محوری: «رشد اقتصادی باید همپای عدالت پیش برود و تفکری که ابتدا در پی توسعه و رشد اقتصادی و سپس اجرای عدالت است، تفکری منطقی نیست» این همان تفکری است که متأسفانه تا پیش از دولت نهم حاکم بوده است.

۳. استقلال همه‌جانبه: «هر جریان و تفکری که به دنبال رهایی از اختاپوس تحمیل شده غربی نیست و به استقلال سیاسی - اقتصادی کشور و ملت بی‌توجه است، جزو اصول‌گرایان محسوب نمی‌شود.»

۴. خودباوری: «باید با خودباختگی مزمنی که ده‌ها سال بر این ملت تحمیل شده، مبارزه کرد.»

۵. جهاد علمی: «ایجاد و تقویت نهضت تولید علم.»

۶. تثبیت و تعمیم آزادی و آزاداندیشی.

۷. اصلاحات اصول‌گرایانه و اصول‌گرایی مصلحانه: «اصلاحات اصول‌گرایانه و اصول‌گرایی مصلحانه در هم تنیده هستند و با اصلاحات آمریکایی و اصلاحات رضاخانی که در واقع افساد است هستند و نه اصلاحات؛ کاملاً متفاوتند.»

۸. شکوفایی اقتصادی کشور و رسیدگی به زندگی مردم.

توجه به این نکات و تعمیق این فرهنگ سیاسی ناب، از ضروریات حفظ هویت جمهوری اسلامی است تا کشور و نظام را از حزب‌های شیطان پاک کرده و حزب‌الله را حاکم گردانیم. کاش این ملاک را خصوصاً نخبگان سیاسی که مدعی خط امام و پیش‌کسوتی نظام هستند، از حضرت امام در نظر بگیرند: «اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای نکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً بیش از آنکه رقیب به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. ... این نیست که خداوند به آسانی از آنجا بگذرد ... تفضلات و رحمت الهی تا زمانی است که مراقب گفتار، رفتار و عملکرد خود باشیم؛ زیرا خداوند با ما خوشاوندی ندارد ... ظلم‌ها، فتنه‌ای به پا می‌کند که دامن همه، اعم از ظالم و غیر ظالم را می‌گیرد؛ بنابراین همه باید مراقب اظهار نظرها، تبلیغات و اقدامات خود باشند.»